

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Mongol Empire, Cont...

امپراتوری مغول (1206 تا 1368 میلادی) زمانی بر سراسر پهنه آسیا، از دریای سیاه در شمال تا شبه جزیره کُره در جنوب، فرمان می‌راند، قلمروی وسیع حاصل کشورگشایی‌هایی پی در پی که بنیان‌گذار این امپراتوری، چنگیز خان (فرمانروایی 1206 تا 1227 میلادی)، نخستین «خان بزرگ» مغول معروف به «فرمانروای جهان» آغازکننده آنها بود. حمله مغول به ایران به سه لشکرکشی مغول به ایران در فاصله سال‌های ۱۲۱۹ تا ۱۲۵۶ میلادی (۶۱۶-۶۵۴ هـ.ق) اشاره دارد. این لشکرکشی‌ها به حکومت خوارزمشاهیان، اسماعیلیه الموت و حکومت‌های محلی اتابکان سلجوقی خاتمه داد و به ایجاد حکومت ایلخانان مغول به جای آن‌ها در ایران منجر شد. تا پیش از ظهور چنگیز خان، ایرانی‌ها، چینی‌ها، و سایر قوم‌های همسایه به مغولان، تتر یا تاتار می‌گفتند و اصلاً سخنی از واژه مغول در میان نبوده‌است. مغولان تا زمان چنگیز به صورت قبایلی پراکنده زندگی می‌کردند که باعث وحشت و زحمت همسایگان‌شان بودند.

چنگیز خان پس از چیره شدن بر چین و بخشی از آسیای میانه با خوارزمشاهیان همسایه شد. خواسته چنگیز خان بازکردن راه بازرگانی میان قلمرو خوارزمشاهیان و چین بود. او در ابتدا، نسبت به سلطان محمد خوارزمشاه ادب و احترام را رعایت کرد ولی این پادشاه با تدابیر خصمانه خود موجب غضب خان مغول و هجوم او به ممالک اسلامی شد. حمله مغول در پی قتل ۴۵۰ بازرگان مغولی در شهر اترار آغاز شد. شروع نخستین لشکرکشی در سپتامبر سال ۱۲۱۹ میلادی (پاییز ۵۹۸ خ. / ۶۱۶ ق) و به فرماندهی چنگیز خان بود. سلطان محمد خوارزمشاه در همان سال با سپاهی به مبارزه با مغول

برآمد، ولی از جوجی پسر چنگیز شکست خورد و از آن پس تصمیم گرفت که از مواجهه با لشکر مغول خودداری کند. چنگیز برای دستگیری سلطان محمد دو نفر از بزرگان لشکر خود را به تعقیب او فرستاد. سال بعد سلطان محمد در بستر مرگ، جلال‌الدین خوارزمشاه را به جانشینی خویش برگزید و جلال‌الدین بیش از ۱۰ سال پس از مرگ پدر در برابر سپاهیان مغول ایستادگی کرد.

دومین لشکرکشی در سال ۶۲۶ ه‍.ق به امر اوگتای قاآن و به فرماندهی جرماغون نویان بود. این لشکرکشی به قصد پایان دادن به مقاومت جلال‌الدین خوارزمشاه و تسخیر مناطقی که تحت سلطه خوارزمشاهیان باقی مانده بود، انجام شد. در پایان این دو حمله مغولان به سلطنت خوارزمشاهیان بر ایران پایان دادند و بسیاری از شهرهای ایران مانند طوس و نیشابور به کلی ویران شد و مردم آن قتل‌عام شدند. خط سیر تخریب و ویرانی فقط منحصر به شمال و شمال شرقی ایران نبود، در مرکز و غرب ایران نیز شهرهای دامغان، ری، قم، قزوین، همدان، مراغه و اردبیل هدف حمله قرار گرفتند.

سومین لشکرکشی در سال ۱۲۵۴ میلادی (۶۵۴ ه‍.ق) ۴۰ سال پس از شکست و فرار سلطان محمد خوارزمشاه، با هجوم هولاکوخان به ایران آغاز شد. هلاکوخان در این لشکرکشی تسخیر قلعه‌های اسماعیلیه را اولین هدف خود قرار داد. رکن‌الدین خورشاه آخرین خداوند الموت در تسخیر این قلعه‌ها به هلاکو کمک‌هایی نیز کرد؛ اما، سرانجام خود او نیز به دنبال تسخیر این قلعه‌ها کشته شد. بدین ترتیب دولت خداوندان الموت به پایان رسید. سپس، هلاکو در سال ۱۲۵۸ میلادی (۶۵۶ ه‍.ق) به بغداد لشکر کشید و با سقوط بغداد، خلافت عباسیان پس از حدود ۵۱۸ سال به پایان رسید. پس از این پیروزی بود که حاکمان مغول کوشیدند تا به جای ویرانی و قتل‌عام مردم بر آنان حکومت کنند.

حمله مغول بیش از خسارت‌های اقتصادی، صدمات فرهنگی و روحی برجای گذاشت. در این حمله مراکز علمی و فرهنگی مانند کتابخانه‌های بسیاری سوزانده و ویران شد. شهرهای بزرگ بسیاری از بین رفت و به دنبال آن مراکز رشد و پرورش فکری به حداقل رسید. کاهش جمعیت و به اسارت گرفتن و فرستادن صنعتگران ایرانی به مغولستان باعث رکود اقتصادی در ایران، و تخریب قنات‌ها و آبراهه‌ها که در طول قرن‌ها ساخته شده بودند نیز سبب رکود کشاورزی شد. پس از حمله مغول شماری از دانشمندان که از این حمله جان سالم بدر برده بودند، به مناطق امن مانده از این حمله مانند آسیای صغیر و هند مهاجرت کردند. همچنین از اثرات دیگر آن، رونق تجارت در مسیر راه ابریشم بین ایران، چین و کشورهای غرب ایران بر اثر ایجاد دولت واحد مغول و امنیت راه‌ها بود.

چنگیز خان در ماه سپتامبر سال ۱۲۱۹ میلادی (۶۱۶ هـ) به اترار، در آخرین حد مرزی قلمرو خوارزمشاهیان (در قزاقستان کنونی) رسید و نیروهای خود را به سه قسمت تقسیم کرد. یک قسمت را در اختیار پسرانش اوگتای و چغتای قرارداد تا اترار را محاصره کنند و قسمت دیگر آن را به فرماندهی جوجی برای گرفتن شهرهای ساحل سیحون به سوی شهر جند روانه ساخت. خود او به همراهی پسرش تولی در رأس قوای اصلی به سوی بخارا حرکت کرد. در سال ۱۲۲۱ میلادی (۶۱۷ هـ) پسران چنگیز چغتای، اوگتای و جوجی با ۱۰۰ هزار نفر اردوی مغول پایتخت دولت خوارزمشاهی شهر گرگانج جرجانیه یا ارگنج را محاصره نمودند و مردم را به ایلی (اصطلاحی مغولی به معنای قبول تابعیت) خواندند ولی کسی از بزرگان شهر، این پیشنهاد را قبول نکرد. این شهر مرکز علم و ادب و بحث و درس به‌شمار می‌رفت و مدارس و کتابخانه‌های بزرگ داشت و مرکز اجتماع شعرا و ادب و دانشمندان بود.

چهل سال پس از شکست و فرار سلطان محمد خوارزمشاه، در سال ۶۵۳ هـ (۱۲۵۵ میلادی) مغولان بار دیگر در سپاهی به رهبری هلاکو خان به ایران آمدند. اما اینان با سپاه پیشین یعنی سپاه چنگیز، که به قصد تاخت و تاز آمده بودند، تفاوت بسیاری داشتند. این نسل تازه از مغولان در این مدت با ایران بیشتر آشنایی پیدا کرده و از غارتگری و وحشی‌گری عهد چنگیز، به مراتب معتدل‌تر و مجرب‌تر به نظر می‌رسیدند. لشکرکشی هلاکو بر خلاف چنگیز، با طرح و نقشه‌ای پیش پرداخته همراه بود. منازل بین راه از پیش تعیین و راه‌گذار لشکر آماده و حتی پل‌ها و گذرگاه بازسازی شده بود. حکومت ایلخانان در ایران از سال ۶۵۴ هـ آغاز شد. هلاکو ممالک فتح شده را بین پسران و امرای مطیع دست نشانده خویش تقسیم کرد. از جمله خراسان و جبال را به پسرش اباقاخان، اراک و آذربایجان را به پسر دیگرش یشموت داد و انکیانو را فرماندار مغول در فارس کرد. در کتاب‌های تاریخی این دوران از جمله تاریخ جهانگشای جوینی، حمله مغول نشانه‌ای از عذاب الهی و نشانه‌ای از قهر خداوند شمرده شده و در این دوره بسیاری از مردم اعتقاد به این داشتند که این قضا و قدر الهی است که اسباب قوت و قدرت لشکر مغول شده است.